روزنامه شرق

عکس: روبرت مکسول

لینچ با فصل سوم سریال «توئین پیکس» بازمی‌گردد

یکی‌شدن شکار و شکارچی

فیلیپ کوپنز . ترجمه: هادی آذری

توئین پیکس (Twin Peaks) نام مجموعه تلویزیونی درام آمریکایی است که نخستین‌بار به وسیله دیوید لینچ و مارک فراست تهیه و ساخته شد. داستان سریال در شهر توئین پیکس در واشنگتن روی می‌دهد و درباره تحقیقات اف‌بی‌آی به رهبری دیل کوپر درباره قتل دختری نوجوان به نام لورا پالمر است. سریال «توئن پیکس» و فیلمی که از روی آن ساخته شد، جلوتر از زمان خود و در حوزه قصه‌گویی در سریال تلویزیونی و کشتن زودهنگام شخصیت‌های اصلی هم، پیشگام بودند. به بهانه ساخت فصل جدید این سریال مروری روی قسمت‌های پیشین این سریال داشتیم:

گویا مقدر بود شریل لی دوبار نقش هنرپیشه زن متوفی را بازی کند: او در سریال «توئین پیکس»، نقش لورا پالمر همان دختر دبیرستانی دوست‌داشتنی را برعهده داشت که به طرز مرموزی به قتل می‌رسد. البته نقش او در آن سریال به بازی جسد یا عکسی از لورا روی طاقچه خلاصه می‌شد؛ تا این که برای فیلم «با من روی آتش قدم بزن» ایفای نقش اصلی به او پیشنهاد شد؛ فیلمی که درواقع پیش‌درآمدی بر سریال «توئین پیکس» محسوب می‌شود. در قسمت‌های پخش‌نشده از سریال «زنان خانه‌دار ناامید» (Desperate Housewives) لی بار دیگر نقش مرده مری آلیس یانگ را ایفا می‌کرد ولی از آنجا که صدای مری آلیس قرار بود در طول سریال روایت داشته باشد، صداپیشه دیگری جایگزین او شد که دارای ویژگی‌های کمدی بیشتری بود تا با حال‌وهوای سریال هم‌خوانی بیشتری داشته باشد. خلاصه اینکه ما شریل لی را بیشتر به خاطر بازی در «توئین پیکس» به یاد داریم؛ سریالی که شباهت زیادی با فضای سوررئال مجموعه «گمشدگان» (Lost) دارد که در آن زمان از آن به عنوان «توئین پیکس بعدی» یاد می‌شد. یکی از دلایل این مقایسه به این دلیل است که «گمشدگان» نیز مانند «توئین پیکس» البته با یک دهه تأخیر، استانداردهای جدیدی را برای ساخت سریال‌های تلویزیونی پدید آورد. علاوه بر این، «توئین پیکس» مسیر را برای ساخت تعدادی از موفق‌ترین فیلم‌های سینمایی درباره قتل‌های زنجیری در دهه ۱۹۹۰ از قبیل هفت و هانیبال لکتر باز کرد و دست آخر اینکه، توئین پیکس را می‌توان مسئول زاده‌شدن یکی از تأثیرگذارترین مجموعه‌های تلویزیونی در دهه ۱۹۹۰ یعنی پرونده‌های مجهول (X-Files) دانست.

ولی اجازه دهید به همان نکته ابتدایی بحث بگردیم یعنی توئین پیکس؛ یک مجموعه تلویزیونی ساخته دیوید لینچ و مارک فراست که داستان آن در شهر خیالی توئین پیکس در شمال شرق واشنگتن می‌گذشت. مضمون داستان «توئین پیکس» حول محور مقدس‌بودن آن مکان و همچنین رخدادهای غیرطبیعی که در آن شهر به وقوع می‌پیوست، می‌چرخید. داستان فیلم در سال ۱۹۸۹ می‌گذرد و هر قسمت از سریال یک روز از سرگذشت این شهر را به تصویر می‌کشد. درکل، سریال در ۳۰ قسمت و دو فصل ساخته شد که از آوریل ۱۹۹۰ تا ژوئن ۱۹۹۱ در آمریکا به نمایش درآمد. فیلم داستان قتل یک دختر دبیرستانی به نام لورا پالمر را روایت می‌کند که مأموریت رسیدگی به پرونده او بر عهده کارگاهی به نام دیل کوپر (با بازی مایل مک لاچان) است؛ نقشی که به نظر بعدها در قالب شخصیت فاکس مادلر (با بازی دیوید دوچونی) در سریال «پرونده‌های مجهول» تکرار می‌شود.

همان‌طور که در سریال «زنان خانه‌دار ناامید» از رازهایی پرده برداشته می‌شود (از جمله خودکشی مرموز یک همسایه دوست‌داشتنی)، توئین پیکس نیز داستان بررسی قتل یک دختر دبیرستانی دوست‌داشتنی را دنبال می‌کند که به‌نظر هیچ انگیزه مشخصی برای قتل او وجود ندارد که البته به‌تدریج و با بازجویی از ساکنان شهر، نیمه تاریک زندگی بسیاری از آنان آشکار می‌شود؛ هرچند در بیشتر اوقات مشخص می‌شود این رازها ربطی به قتل لورا ندارند. همین مسئله درباره رازهای خود لورا نیز صادق است؛ رازهایی که افشاشدن‌شان می‌توانست هر کدام از آن شهروندان را به قاتل بالقوه او بدل کند، اما در آخر مشخص می‌شود او قربانی یک قاتل ماورای طبیعی است. خلاصه اینکه درحالی‌که بسیاری از ساکنان شهر به صورت بالقوه می‌توانند قاتل لورا باشند، قاتل اصلی موجودی فرازمینی و دیگر جهانی است.

سردرگمی مخاطب

دیوید لینچ را بیشتر به خاطر رویکرد و نگاه سوررئالش می‌شناسیم که در برخی از فیلم‌های او باعث می‌شود مخاطب کاملا گیج و مبهوت شود. در توئین پیکس، به‌ویژه در قسمت‌های اول، لینچ تلاش کرده تا این حس سوررئال را به حداقل برساند ولی با پیش‌بردن داستان، او به سبک و سیاق خود مخاطب را به‌کلی گیج می‌کند.

خیلی زود بعد از پایان فصل اول، تب سریال همه را فراگرفت. به‌ناگاه همه از توئین پیکس صحبت می‌کردند و خیلی زود این سریال راهش را به فرهنگ عامه باز کرد؛ همان کاری که چند سال بعد، سریال «پرونده‌های مجهول» بار دیگر موفق به انجام آن شد. شبکه ABC به لینچ فشار آورد تا در فصل جدید، قاتل لورا پالمر را معرفی کند. این مسئله برخلاف خواست خود لینچ بود، زیرا او می‌خواست هویت قاتل برای همیشه مخفی بماند. هرچند استودیو هویت قاتل را می‌خواست، اما بسیاری از طرفداران سریال از افشاشدن هویت قاتل ناخشنود بودند، زیرا جنبه اثیری و غریب سریال حالا دیگر رو شده بود. بااین‌حال سوررئالیسم مبهم و گیج‌کننده فصل جدید سریال به مذاق مخاطبان خوش نیامد؛ درواقع از نظر مردم این سریال بیشتر داستان یک قتل در شهری عجیب‌وغریب بود نه یک داستان سوررئال محض. به‌همین‌دلیل شبکه تصمیم گرفت پخش سریال را تا اطلاع ثانوی به تعویق بیندازد؛ مسئله‌ای که می‌توانست به معنای کنسل‌شدن آن باشد که متعاقبا خشم و اعتراض شدید طرفداران سریال را به دنبال داشت که از محبوبیت بالای سریال خبر می‌داد. این خشم شبکه ABC را مجاب کرد تا با ساخت شش قسمت دیگر موافقت کند و سریال را طبق برنامه‌ریزی به پایان برساند. هرچند فصل سوم این سریال هیچ‌گاه ساخته نشد، ولی لینچ کارش را با ساخت یک فیلم ادامه داد. در سال ۱۹۹۲، فیلم سینمایی «توئین پیکس: بر روی آتش با من قدم بزن» به اکران درآمد که رجعتی به داستان لورا پالمر بود که درواقع حکم پیش‌درآمدی بر سریال را داشت. متأسفانه فیلم به دلایل مختلفی هم منتقدان و هم طرفداران سریال را ناامید کرد برای مثال، افرادی که سریال را ندیده بودند، قادر به برقراری ارتباط با فیلم نبودند. مانند فیلم «کد داوینچی»، «بر روی آتش با من قدم بزن» در جشنواره فیلم کن به نمایش درآمد و با نقدهایی منفی روبه‌رو شد.

مضمون سریال این است که موجودیت‌های فراواقعی به دنیای ما راه یافته و باعث ایجاد ویرانی‌هایی می‌شوند که به قتل لورا پالمر می‌انجامد. اختلال مرموز در عملکرد دستگاه‌های الکترونیکی نشان‌دهنده این است که چیزی دیگرجهانی به جهان ما نفوذ کرده است. بنابراین برای حل یک مشکل فراطبیعی شما به یک کارآگاه با قدرت‌های ذهنی خاص نیاز دارید. مدمور FBI، دیل کوپر نه‌تنها دارای قدرت ذهنی خاصی است، بلکه به نظر از تکنیک‌های ذهنی مختلفی برای تمرکز روی قاتل بهره می‌گیرد. از همه اینها گذشته، او خواب‌های عجیبی از یک اتاق قرمز مرموز می‌بیند که در آن با کوتوله‌ای به نام «مردی از جهانی دیگر» و روح دردام‌افتاده لورا پالمر دیدار می‌کند؛ در خواب لورا اسم قاتلش را در گوش او زمزمه می‌کند که کوپر هر بار قبل از بیدارشدن آن را فراموش می‌کند. اتاق قرمز به نظر ارجاعی به برزخ است؛ چیزی که جزیره اسرارآمیز سریال «گمشدگان» نیز به نظر استعاره‌ای از آن است. اما کوپر تنها فرد دارای قدرت‌های ذهنی خاص شهر نیست. سارا پالمر، مادر لورا، دیگر شخصیت سریال است که از این قدرت‌های ذهنی برخوردار است. همچنین باید از مارگارت لانتمن نام برد؛ زن عجیب معروفی به «زن شاخه‌ای» که از شاخه‌ای که همه‌جا با خود حمل می‌کند، پیام‌هایی دریافت می‌کند. حتی حرف‌های دکتر لورنس جیکوبی، روان‌پزشک شهر، نیز با منطق جور درنمی‌آید و خلاصه اینکه در توئین پیکس هیچ‌کس براساس منطق حرف نمی‌زند که از این منظر با «پرونده‌های مجهول» تفاوت دارد.

اطلاعاتی که کوپر از طریق قدرت‌های خاص ذهنی، مشاهدات و اظهارات زن شاخه‌ای به دست می‌آورد او را به چند نفر مظنون می‌کند اما او می‌داند کلید این معما در دفتر خاطرات لورا نهفته است. درنهایت، مشخص می‌شود این دفتر خاطرات نزد هارولد اسمیت یکی از افراد مورداعتماد لوراست

اطلاعاتی که کوپر از طریق قدرت‌های خاص ذهنی، مشاهدات و اظهارات زن شاخه‌ای به دست می‌آورد او را به چند نفر مظنون می‌کند اما او می‌داند کلید این معما در دفتر خاطرات لورا نهفته است. درنهایت، مشخص می‌شود این دفتر خاطرات نزد هارولد اسمیت یکی از افراد مورداعتماد لوراست.

اطلاعاتی که کوپر از طریق قدرت‌های خاص ذهنی، مشاهدات و اظهارات زن شاخه‌ای به دست می‌آورد او را به چند نفر مظنون می‌کند اما او می‌داند کلید این معما در دفتر خاطرات لورا نهفته است. درنهایت، مشخص می‌شود این دفتر خاطرات نزد هارولد اسمیت یکی از افراد مورداعتماد لوراست.

اطلاعاتی که کوپر از طریق قدرت‌های خاص ذهنی، مشاهدات و اظهارات زن شاخه‌ای به دست می‌آورد او را به چند نفر مظنون می‌کند اما او می‌داند کلید این معما در دفتر خاطرات لورا نهفته است. درنهایت، مشخص می‌شود این دفتر خاطرات نزد هارولد اسمیت یکی از افراد مورداعتماد لوراست.

اطلاعاتی که کوپر از طریق قدرت‌های خاص ذهنی، مشاهدات و اظهارات زن شاخه‌ای به دست می‌آورد او را به چند نفر مظنون می‌کند اما او می‌داند کلید این معما در دفتر خاطرات لورا نهفته است. درنهایت، مشخص می‌شود این دفتر خاطرات نزد هارولد اسمیت یکی از افراد مورداعتماد لوراست.

اطلاعاتی که کوپر از طریق قدرت‌های خاص ذهنی، مشاهدات و اظهارات زن شاخه‌ای به دست می‌آورد او را به چند نفر مظنون می‌کند اما او می‌داند کلید این معما در دفتر خاطرات لورا نهفته است. درنهایت، مشخص می‌شود این دفتر خاطرات نزد هارولد اسمیت یکی از افراد مورداعتماد لوراست

اما باب که در کما به سر می‌برد چگونه و در جسم چه کسی توانسته از کودکی لورا را آزار داده و سرانجام او را به قتل برساند؟ در فیلم صحنه‌ای وجود دارد که لورا برای شام به خانه می‌آید و به خاطر نشستن دست‌هایش از سوی پدرش (للند پالمر) به‌شدت مورد سرزنش و بدرفتاری قرار می‌گیرد. اما وقتی پدر شروع به سؤال‌پیچ‌کردن لورا درباره گردنبندش می‌کند، این صحنه از یک مجادله عادی خانوادگی به صحنه‌ای دلهره‌آور و وحشتناک بدل می‌شود. این دیگر آن للند پالمر دوست‌داشتنی نیست که در سریال سراغ داریم. در صحنه بعد للند را می‌بینیم که به رختخواب می‌رود و از نگاه شوم او می‌توان پی برد که او به وسیله چیزی تسخیر شده است. سپس انگار چیزی از بدن او خارج می‌شود و هم‌زمان طرز نگاه و حالت چهره او نیز به غم و اندوه تغییر یافته و شروع به گریه می‌کند. به نظر آنچه او را تسخیر کرده به طور موقت او را ترک کرده و او برای چند لحظه همان پدر مهربانی می‌شود که سراغ داریم اما با این تفاوت که می‌داند چه رفتار بد و زننده‌ای با لورا داشته است. او سپس به اتاق لورا می‌رود و به او می‌گوید چقدر دوستش دارد. بااین‌حال، لورا می‌داند پدرش در تسخیر موجودی خبیث به نام باب است؛ حقیقتی تلخ و هراسناک که یکی از احساسی‌ترین صحنه‌های فیلم را رقم می‌زند.

در فصل دوم سریال با ورود شخصیتی به نام مَدی فرگوسن، دخترخاله لورا، شریل لی سرانجام مجالی برای نقش‌آفرینی پیدا می‌کند. شباهت ظاهری و رفتاری مدی و لورا، این حس را در مخاطب ایجاد می‌کند که انگار روح لورا در مدی حلول کرده و به‌نوعی از دنیای مردگان به دنیای زندگان برگشته است. اما مدی نیز به شکلی وحشیانه به وسیله پدر لورا یا بهتر است بگوییم باب به قتل می‌رسد که در ادامه دستگیر می‌شود. کوپر پی می‌برد باب روح آقای پالمر را تسخیر کرده یعنی همان رازی که لورا نیز به آن پی برده بود؛ همان رازی که لورا بارها سعی کرده بود در خواب به او بگوید، اما هیچ‌گاه موفق نشده بود. آقای پالمر با کوبیدن سرش به دیوار اتاق سلولش اقدام به خودکشی می‌کند و درست قبل از لحظه مرگ روحش را بازمی‌یابد تا برخلاف باب در برزخ گرفتار نشود. خب، به نظر می‌رسد اینجا، جایی است که داستان باید به پایان برسد ولی در عمل چنین نیست. کوپر در توئین پیکس می‌ماند و به جست‌وجو برای یافتن منشأ بدل‌شدن باب به یک موجود خبیث و پلید ادامه می‌دهد و در این مسیر، به رازهایی درباره جنگل‌های تاریک اطراف توئین پیکس پی می‌برد. درنهایت مشخص می‌شود این حضور فرازمینی یا دیگرجهانی خیلی فراتر از باب است؛ باب علت این مسئله نیست، بلکه تنها نشان از چیزی دارد که در تاروپود این منطقه رسوخ کرده است. در آن منطقه هزاران نفر در کما به سر می‌برند اما هنوز موفق نشده‌اند برای تحقق نیات پلید خود بدن انسانی را تسخیر و تصاحب کنند. درادامه، در جریان یک تعقیب‌وگریز، کوپر ناخواسته وارد منطقه‌ای مرموز و اثیری در جنگل می‌شود که به نظر قلمرو باب است. بعد از چند اتفاق عجیب‌وغریب دیگر، از جمله رودرروشدن با باب، کوپر با نیمه تاریک خود مواجه می‌شود. در آخرین قسمت سریال بدون اینکه دیگران بدانند، مشخص می‌شود باب، کوپر را تسخیر کرده و به تعبیری شکار و شکارچی با هم یکی می‌شوند. این درواقع قرار بود نقطه آغاز فصل سومی باشد که هیچ‌گاه ساخته نشد.

دریچه

تدارک «آی‌فیلم» برای فجر ۳۵

شرق: شبکه آی‌فیلم امسال هم مانند سال‌های گذشته برای ایام جشنواره ویژه‌برنامه‌ای را تدارک دیده است که هر شب از این شبکه پخش خواهد شد. طبق برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، در این ویژه‌برنامه فیلم‌هایی که هر روز در برج میلاد نمایش داده می‌شود، بررسی و با عوامل آنها گفت‌وگو خواهد شد تا مخاطبان با فیلم‌ها آشنایی مختصری پیدا کنند. همچنین این ویژه‌برنامه شامل بخش‌های متنوعی است؛ از جمله بخشی که به بررسی جشنواره‌های سال‌های گذشته و اتفاقات و فیلم‌های مهم آن می‌پردازد و با افرادی که به‌نوعی رکوردهای خاصی را در این رویداد کسب کرده‌اند، به گفت‌وگو می‌نشیند. از دیگر بخش‌های این برنامه اخبار و گزارش است که همه اتفاقات جانبی و نشست‌های پرسش و پاسخ فیلم و حواشی جشنواره را پوشش خواهد داد. از نکات درخور توجه این ویژه‌برنامه به محل ضبط آن می‌توان اشاره کرد، چراکه محل ضبط این برنامه فقط برج میلاد (کاخ جشنواره) نخواهد بود و به سینماهای دیگر و سینماهای مردمی هم پرداخته خواهد شد و گزارش‌هایی از محل‌های دیگر نمایش فیلم‌های جشنواره فیلم فجر سی‌وپنجم، پخش خواهد شد. این برنامه به صورت تولیدی است و به صورت سه‌زبانه (فارسی - عربی - انگلیسی) برای سه شبکه آی‌فیلم تولید می‌شود که هر کدام مجری مخصوص به خودش را دارد. اما اجرای اصلی برنامه مانند برنامه‌های سینما آی‌فیلم هفتگی به اسماعیل باستانی سپرده شده است. ویژه‌برنامه فیلم فجر شبکه آی‌فیلم از روز ۱۱ بهمن هر شب حدود ساعت ۲۲:۳۰ پخش خواهد شد که بازپخش آن در فردای همان روز پخش خواهد داشت. مدت برنامه ۳۰ دقیقه است و تا انتهای برگزاری جشنواره فیلم فجر پخش خواهد شد. از دیگر بخش‌هایی که در ویژه‌برنامه جشنواره فیلم فجر شبکه آی‌فیلم خواهیم دید آشنایی با جشنواره امسال، چگونگی برگزاری این دوره و تفاوت‌ها در شکل برگزاری و فیلم‌های حاضر در این دوره و مقایسه آنها با سال‌های گذشته خواهد بود. محمد تنکابنی و وحید رونقی تهیه‌کنندگی این ویژه‌برنامه را بر عهده دارند.

«آرت‌بازل» برای کیارستمی نمایشگاه می‌گذارد

نمایشگاه بین‌المللی «آرت بازل» امسال به یاد عباس کیارستمی - کارگردان - نمایشگاهی از آخرین آثار عکاسی او را به نمایش می‌گذارد. به گزارش ایسنا به نقل از وایتی، مسئولان برگزاری نمایشگاه بین‌المللی «آرت‌بازل» سوئیس اعلام کردند در نمایشگاه هنگ‌کنگ که امسال در فصل بهار برپا خواهد شد، جدیدترین مجموعه از آثار عکاسی عباس کیارستمی را با هدف تقدیر از این سینماگر و هنرمند شناخته‌شده ایرانی در سطح جهان به نمایش خواهند گذاشت. این کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس، شاعر و عکاس ایرانی که به‌واسطه مجموعه آثارش از جمله فیلم برنده نخل طلای «طعم گیلاس» و نگاه خاصش، از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های سینمای ایران در عرصه جهانی به‌شمار می‌رفت، چهارم جولای ۲۰۱۶ (۱۴ تیرماه) در ۷۶ سالگی در فرانسه از دنیا رفت. کیارستمی در طول دوران فعالیت هنری‌اش بیش از ۸۰ جایزه بین‌المللی و مورد تمجید منتقدان بین‌المللی قرار گرفت. «آرت‌بازل» یک نمایشگاه بین‌المللی هنری است که کار خود را از سال ۱۹۷۰ میلادی آغاز کرد.

نگاه

اختتامیه ششمین دوسالانه نقاشی «دامون‌فر» برگزار شد

آیین اختتامیه ششمین دوسالانه نقاشی «دامون‌فر» در سالن سینمای شماره سه پردیس ملت با حضور چهره‌های شاخص جامعه هنری و بیش از ۴۰۰ نفر از هنرمندان جوان، عصر جمعه اول بهمن برگزار شد.

سیف‌الله پویاراد، مدیر دوسالانه نقاشی دامون‌فر، نخستین سخنران این آیین بود. او از حاضران تقاضا کرد به احترام آتش‌نشان‌های حادثه ساختمان پلاسکو، از جای برخیزند و ایستاده یک دقیقه سکوت کنند.

پویاراد پس از اعلام حضور هزارو ۳۴۰ هنرمند با سه‌هزارو ۵۰ اثر در ششمین دوره و تشریح روند داوری، آثار هنرمندان جوان نقاش را تأمل‌برانگیز ارزیابی کرد و گفت: «هنرمندان به‌ویژه هنرمندان جوان آینه شفاف جامعه خود هستند، ما باید جامعه را به دست جوانان بسپاریم تا آینده را رقم بزنند؛ بنابراین مسئولان باید به حرف‌های نهفته در این تابلوهای نقاشی توجه و آنها را بررسی کنند».

او خواستار تمهیدات و مشوق‌هایی از سوی دولت و مجلس شد تا بخش‌های خصوصی حضوری پررنگ در عرصه هنر داشته باشند. سپس آیدین آغداشلو، رئیس شورای داوری ششمین دوسالانه نقاشی دامون‌فر، روی صحنه آمد. او با تأکید بر اینکه قضاوت و داوری کار آسانی نیست، اضافه کرد: عمده‌ترین بنیاد انتخاب سلیقه است و داوران در کنار تخصص و اعتبار کاری خود سلیقه خودشان را برای انتخاب آثار اعمال می‌کنند؛ بنابراین اگر هیئت داوران یک جشنواره را تغییر دهیم، ممکن است آثار دیگری به مراحل نهایی راه پیدا کنند؛ بنابراین شرکت‌کنندگان نباید ناامید شوند که آثارشان انتخاب نشده است.

آغداشلو برگزاری جشنواره‌های متعدد در زمینه نقاشی را امیدوارکننده دانست و گفت: هر جشنواره نقاشی در هر سطح و کیفیتی شایسته ستایش و قدردانی است، زیرا به مردم که صاحبان اصلی هنر هستند نشان می‌دهد که برای هنر تلاش می‌شود.

او گفت: «در این مدت به اقصا نقاط ایران سفر کردم؛ در سنندج، تبریز، شیراز، رشت و... نقاشان جوانی دیدم که استعدادهای شگرف داشتند، آنها باید کار کنند و کار کنند و به آینده امیدوار باشند، آنها باید بدانند آغداشلو هم در ۲۰ سالگی‌اش نمی‌توانست آثارش را بفروشد».

او در پایان صحبت‌های خود اظهار کرد: هنرمندان جوان باید برای رسیدن به موفقیت در کنار تلاش فراوان، صبر و حوصله پیشه کنند. بسیاری از هنرمندان ۲۰ساله از دوران ۲۰سالگی من بهتر هستند و اگر همین‌طور ادامه دهند آینده درخشانی خواهند داشت.

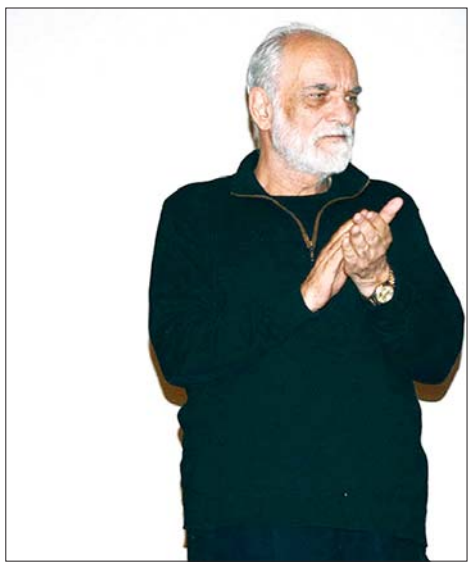

در ادامه پیام تصویری کنت جدید فابرکاستل پخش شد و یورگن بران، مدیر بخش خاورمیانه «فابرکاستل»، روی سن آمد. او ضمن تشکر از سیف‌الله پویاراد گفت: «حدود ۴۰ سال می‌شود که با پویاراد همکاری داریم، او نماینده رسمی شرکت ما در ایران است. برگزاری و حمایت از دوسالانه نقاشی دامون‌فر جزء اهداف ماست، زیرا ما از خلاقیت برای زندگی حمایت می‌کنیم». او افزود: «فابرکاستل فیلم این جشنواره را هر بار در سراسر جهان نشان داده تا مردم دنیا با هنرمندان ایرانی آشنایی پیدا کنند. ما نفر اول در ششمین دوسالانه نقاشی دامون‌فر را به آلمان دعوت خواهیم کرد تا با نحوه کار شرکت ما آشنا شود و یک گالری نقاشی برایش در آلمان برپا می‌کنیم». در ادامه مراسم، از هیئت داوران: گلناز فتحی، پویا آریان‌پور، فرح اصولی، بهنام کامرانی و معصومه مظفری تقدیر شد.

بیانیه هیئت داوران را معصومه مظفری قرائت کرد. در این بیانیه کوتاه آثار این دوره خوب ارزیابی شد، سپس تقدیرشدگان و برگزیدگان اعلام شدند.

در بخش نقاشی دیجیتال هم از آرزو طالبی و صادق فرهادیان تقدیر شدند و در بخش نقاشی از بهناز فاطمی‌جهمانی، ندا میرحسینی، عرفان جمشیدی، فربد الکائی، امیرحسین اکبری‌علویجه و میلاد محمودی تقدیر به عمل آمد.

در ادامه برنده جایزه جذاب آرای مردمی که از طریق سایت جشنواره انجام شده بود، از سوی پریا پویاراد اعلام شد که «صادق فرهادیان» عنوان نقاش منتخب مردمی را به خود اختصاص داد.

مقام دوم به‌طور مشترک و همسان به چهار نقاش: شقایق مشهدی، نیلوفر نادری، مریم قاسمی و شیلا جلیل‌پیران اهدا شد.

در ادامه با حضور آغداشلو و پویاراد، «جواد بهرامی» به عنوان مقام نخست ششمین دوسالانه نقاشی دامون‌فر و برنده جایزه سفر به آلمان و شرکت در آکادمی فابرکاستل معرفی شد.

دوسالانه دامونفر به همت گالری دامون‌فر با همکاری کویلو، برند ایرانی- آلمانی، فابرکاستل آلمان، کانسون و «پ‌ب‌او» فرانسه از ۲۴ دی در سینماگالری پردیس ملت آغاز به کار کرده که بخش نمایشگاهی آن تا چهارم بهمن دایر خواهد بود.